

هدایت هاشمی «مرده‌گی بدون زنده‌گی» را افتتاح کرد



● **گروه هنر:** هدایت هاشمی بازیگر تئاتر و تلویزیون ایران و عضو گروه تئاتر پاپتی‌ها نمایش «مرده‌گی بدون زنده‌گی» نوشته امیر شفیعی و به کارگردانی هدی اساسی را سه‌شنبه شش تیر افتتاح کرد. هاشمی در مراسم افتتاحیه این تئاتر که هرب ساعت ۲۰ در سالن سه‌نقطه روی صحنه می‌رود، گفت: «چون در ایران به تئاتر ایزورد خیلی کم پرداخته شده، برای حمایت از این نوع تئاتر این نمایش را افتتاح می‌کنم». هدایت هاشمی در ادامه افزود: «اگر دولت سال‌های خصوصی تئاتر را حمایت کند، مثلاً از آنها مالیات خیلی کمی بگیرد، تئاتر خیلی پیشرفت می‌کند، فراگیر می‌شود و جوان‌ترها نیز فرصت تجربه‌کردن دارند. وقتی در جامعه‌ای تئاتر فراگیر شود، فرهنگ آن جامعه بی‌شک رو به رشد خواهد بود». «مرده‌گی بدون زنده‌گی» به کارگردانی هدی اساسی و با بازی ساغر سحرخیزان، پوریا غنی‌طبع و هوشنگ ثاقبی تا ۲۲ تیر هرب ساعت در سالن سه‌نقطه روی صحنه می‌رود و پلیت‌های آن در سایت تیوال به فروش می‌رسد.

پس از یک شب طولانی در گالری ثالث

● **گروه هنر:** نمایشگاه مجموعه نقاشی‌های فرح سلطانی با عنوان «پس از یک شب طولانی»، جمعه ۹ تیر ساعت ۱۶ در گالری ثالث افتتاح می‌شود و این افتتاحیه تا ساعت ۲۲ ادامه خواهد داشت. در توضیح این نمایشگاه، رسول رخشا نوشته است: «اشیای کوچک، لحظه‌های بزرگ یا خود به همراه دارند و لحظه‌های بزرگ، جزئیات را طوری از پستوها بیرون می‌کشند، تا به آن خود وفادار بمانند و تا آنجا پیش می‌روند که بفهمند چیزی در اطراف ما نیست؛ جز آن‌های پیدا و پنهان و انگار همین خرده‌ریزهای روزمره و تکراری هستند که ما را به تعریف می‌رسانند تا در لحظه، درنگ کنیم و بتوانیم دبستان معنا را بسازیم. ما را می‌برند به گذشته تا روزهای رفته را زنده نگاه دارند و نشانه‌ای باشند تا سفر را تفسیر کنند». فرح سلطانی، فارغ‌التحصیل نقاشی از دانشگاه آمریکایی دوبی است و پیش از این، در «آدامس خوانی» محمد رحمانیان، نقاشی‌های او به نمایش درآمده است.



شماره ثبت: ۳۹۹۱

شیمیا بهره‌مند: مراسم بزرگداشت کورش اسدی امروز در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار می‌شود. کورش اسدی درست همان روزهایی که رمان «کوچه ابرهای گمشده» درآمد در آستانه نمایشگاه کتاب بیست‌ونهم، در گفت‌وگویی با «شرق» از کتابی گفت که بعد از قریب به ده سال سکوت ادبی از او منتشر شده بود، آن هم «رمانی پر حجم» از نویسنده‌ای که پیشینه‌ای درخشان در داستان کوتاه داشت. مخاطب ادبیات معاصر ما، کورش اسدی را از همان دهه هفتاد با مجموعه‌داستان «بوکه‌باز» و «باغ ملی» به‌عنوان نویسنده‌ای وسواسی و صاحب‌سبک می‌شناخت. در فاصله‌ای کوتاه از آن روزها او رمانی نوشت با عنوان «پایان محل رویت است» که خبری از چاپ آن نشد تا اینکه مجموعه‌داستان «گنبد کبود» چاپ شد و یک سال بعد سرانجام رمان «کوچه ابرهای گمشده» که از قضا همان «پایان محل رویت است» بود و تنها نام دیگری داشت، از او پرسیدیم چرا ده روز سکوت، گفت «به این دلیل ساده و وحشتناک که اجازه نمی‌دادند. به دلیل اینکه فضا از فرط آشفتگی و انکار، آدم را منزوی می‌کرد. هم مصیبت است هم مسخره. ده، دوازده سال بنویسی و چاپ نشود، مخاطبان آن سال‌ها اغلب یا رفتند یا منزوی شدند و به دلایل درست و غلط با ادبیات و هرچه متن مکتوب قهر کردند». از «سیاست ادبی» که با اسدی حرف زدیم با نگاهی تلخ و واقع‌گرایانه گفت: «کدام سیاست؟ نویسنده برای نوشتن چه سیاستی دارد؟ نشسته‌ایم در انزوا و ارواح خودمان را روی کاغذ سفید احضار می‌کنیم، آیا چاپ بشود آیا نشود». حالا کورش اسدی، با مرگ تلخ خود، ناباورانه نویسندگان و اهالی ادبیات را دست‌کم برای چند روز از انزوا در آورده است. دوشنبه گذشته اهالی ادبیات در خانه هنرمندان گرد هم آمدند تا با کورش اسدی وداع کنند. هنوز از پس یک سال برخی از اهالی ادبیات رمان اسدی را نخوانده بودند که او صحنه ادبیات را این بار نه برای یک دهه ناکزیر، که برای همیشه ترک کرد. امروز، پنجشنبه هشتم تیرماه مراسم بزرگداشتی برای این نویسنده برگزار می‌شود و اهالی ادبیات و فرهنگ بار دیگر از ساعت ۱۶ تا ۱۹ در خانه اندیشمندان علوم انسانی، واقع در خیابان استاد نجات‌اللهی (ویلا)، نبش خیابان ورشو جمع می‌شوند تا در سوگ نویسنده «کوچه ابرهای گمشده» از او، آثا

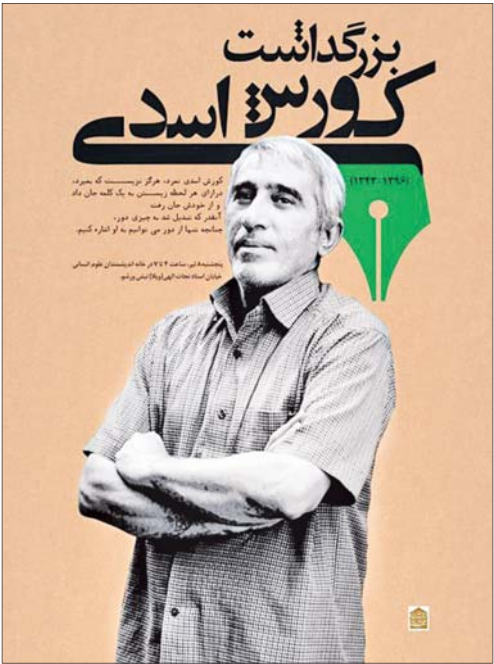
از سوی حراست دانشگاه شهید بهشتی صورت گرفت

لغو برنامه سالگرد «کیارستمی» در دانشگاه

گروه هنر: در نخستین سالگرد درگذشت «عباس کیارستمی»، قرار بود مراسمی در دانشگاه شهید بهشتی با حضور علاقه‌مندان و مسئولان برپا شود که با مخالفت حراست این دانشگاه، برگزاری این مراسم لغو شد. به گزارش ایلنا «بهمن کیارستمی»، فرزند عباس کیارستمی، با اشاره به اینکه برگزاری این مراسم سالگرد امکان‌پذیر نشده است، گفت: «در پایان خرداد با مسئولان دانشگاه

بزرگداشت کورش اسدی در خانه اندیشمندان علوم انسانی

تسلایی در کار نیست



و وضعیت نویسنده معاصر ایرانی بگویند که به‌گواه سخنرانی‌های روز بدرقه پیکرش، همه از محمود دولت‌آبادی تا فرزانه طاهری و حسین سنایور مرگ او را هم‌بسته با روزگار نویسنده ایرانی دانستند. روزگاری که به‌قول دولت‌آبادی «روزگار غربی است. هیچ قشری به اندازه نویسندگان در دوره جدید تنها و بدخو نشده است». نویسنده‌ای که به‌گفته فرزانه طاهری «انتظار طاق‌تفسر را تاب آورد و تن به حذف نداد و از اصولش دست نکشید. به روش‌های باب‌شده برای معیشت که به روح داستان زخم می‌زند دست نیازید. هرگز ندیدم شکوه و ناله کند. انگار همه آنچه

را می‌آزردش و آن لعنتی را که به قول خودش نویسنده ایرانی گرفتارش بود، در کنار کابوس‌ها و خیال‌بافی‌هایش به داستانش می‌ریخت و زخم‌هایش را به گوشه‌ای می‌برد و تیمار می‌کرد». و سنایور که هم‌نسل و هم‌دوره او بود گفت که «تسلایی نیست... هرچه هست، خشم است... خشم از این همه مصیبت، از مرگی که نویسنده‌های‌مان را جوان مرگ می‌کند و هر کدام‌شان را به کام خود می‌کشد. بی‌آنکه واقعا هنوز زندگی کرده باشند، بی‌آنکه واقعا عرضه کرده باشند آنچه را می‌توانستند داشته باشند. کورش اسدی اما چنان‌که فرزانه طاهری گفت زخم‌هایش را به خلوت برد و کابوس‌هایش را در داستان‌هایش ریخت. او شبیه مرگ نبود، مانند هر خالق کلمه دیگری. در همان گفت‌وگو هم بعد از گفتن از موانع و مصائب بر سر راه نوشتن هنوز امیدوار بود گرچه هر جا دست می‌داد از هوشنگ گلشیری می‌گفت که غیاب او و هم‌سلکانش سرنوشت ادبیات را یکسر تغییر داده بود و از هدایت که خود را در روزگار بیشتر شبیه او می‌دانست، نویسنده اسطوره‌ای که سال‌ها آثا

اعتراض کارگردان «اکسیدان» به بسیج دانشجویی

شماره عینک تان چند است؟

توقیف این فیلم‌ها شده بودند که آقایان معترض، کمر به بایکوت‌کردن فیلم‌های توقیفی فعلی بسته‌اند؟ در نقد و اعتراض هم رعایت انصاف شرط اصلی است. حالا که وزیر ارشاد دنبال پایان‌دادن به جالش فیلم‌های توقیفی و تعیین تکلیف اکران‌شدن یا اکران‌نشدن آنها تا ۱۰ مرداد است، بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع) ضمن اعتراض به این اقدام، با نگارش نامه‌ای، به وزیر توصیه کرده به آنچه «بازپچه قدرت‌خواهی دیگران» نامیده، گرفتار نشود. درحالی‌که تا امروز، تکلیف بسیاری از فیلم‌ها در زمان دو وزیر ارشاد دولت یازدهم و دوازدهم (علی جنتی و سیدرضا صالحی‌امیری) مشخص نیست؛ هرچند که محمدمهدی حیدریان، رئیس سازمان سینمایی، با نگارش نامه‌ای از نگاه حمایتی رضا صالحی‌امیری نسبت به سینمای ایران تشکر کرده است.

در بخشی از متن نامه بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع) به وزیر می‌خوانیم: «جناب آقای صالحی‌امیری، شما بهتر از هر فرد دیگری می‌دانید که مشکل بسیاری از این فیلم‌ها با چند اصلاح جزئی قابل رفع نیست و لذا رفع توقیف آنها، نتیجه‌ای جز دامن‌زدن به ولنگاری فرهنگی ندارد. ای‌کاش باور کنید تلاش برای بازگشت به اصلاحات بی‌ثمر است و وزارتخانه شما نمی‌تواند به اسم آزادی، ارزش‌های اخلاقی و دینی جامعه را تضعیف کند. آقای وزیر، ای‌کاش در سردادین شعاع آزادی، قدری حریّت داشتید و آن‌گاه فکری به حال مظلومیت آثار ارزشی در سینمای ایران می‌کردید. بی‌توجهی فراوان همکاران شما به فیلم ویلایی‌ها، نشان از وجود یک سیاست نانوشته در سازمان سینمایی دارد و آن سیاست این است که هرکس فیلمی بسازد که در آن سرسوزنی به ارزش‌های دینی توجه شده باشد، باید از ساختن این فیلم پشیمان شود».

کارگردان فیلم «اکسیدان» هم نسبت به این بیانیه از خود واکنش نشان داد. حامد محمدی، کارگردان فیلم «اکسیدان»، در پاسخ به بیانیه بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع) و اهدای عینک به رئیس سازمان سینمایی در اعتراض به اکران فیلم «اکسیدان»، در گفت‌وگو با خبرآنلاین گفت: «خوشحالم این دوستان تا این حد قبیق و موشکافانه فرهنگ و به‌ویژه سینما را رصد می‌کنند و به این سرعت واکنش نشان می‌دهند».

او افزود: «البته خوشحال‌ترم که در همین کمتر از یک سال، این همه رشد کرده‌اند و به‌جای پیاله آلبالوی گنبدیه، این‌بار به معاونت جدید سینمایی عینک هدیه داده‌اند. فقط ای‌کاش نمره این عینک بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع) و اهدای عینک به رئیس سازمان سینمایی در اعتراض به اکران فیلم «اکسیدان»، در گفت‌وگو با خبرآنلاین گفت: «خوشحالم این دوستان تا این حد قبیق و موشکافانه فرهنگ و به‌ویژه سینما را رصد می‌کنند و به این سرعت واکنش نشان می‌دهند».



خُردشدن ضدفرهنگ زیرپای فرهنگ



● **مهرداد حجتی**

● «وحید بایمن‌پور»، مجری برنامه‌های جنجالی تلویزیون، برخلاف جهت افکار عمومی از مداحی «میثم مطیعی» با عبارت «کار تمیز فرهنگی» یاد کرده و آن را ستوده است. تعبیر «کار فرهنگی» از آن مداحی می‌تواند پیامدهای زبان‌باری در پی داشته باشد. آلودن فضای فرهنگی به عناصری همچون تهمت و دشنام به بهانه «کار فرهنگی» عملی فریب‌کارانه و کاملاً غیرفرهنگی است؛ کاری که قریب به دو دهه است از جانب «گروهی کم‌شمار و پرفشار» انجام می‌شود و هیچ‌گاه هم از راه قانون از آن فشار کاسته نشده است. تخطئه دو واقعه تاسف‌برانگیز اهانت به «رئیس‌جمهور منتخب» در این هفته از سوی اقشار مختلف مردم، به‌ویژه اهل فرهنگ، نشانه بلوغ سیاسی یک ملت بود؛ بلوغی که با جان‌سختی و گذار از پیچ‌وخم‌های چند دهه اخیر به دست آمده و کشور را یک کام دیگر به دموکراسی نزدیک‌تر کرده است. جامعه ایران در گذار از پیشامدرنیته به مدرنیته نیازمند ازسرگذراندن آزمون‌های دشواری است که در آنها باید «بردباری» و «مدارا» را جایگزین «ناشکیبایی» و «کم‌تحملی» کرد. عبور از دوران «رویارویی خیابانی» به دوران «گفت‌وگو» این امکان را فراهم کرده است تا «نقادی» جای «هتاک‌ی» را بگیرد و کشور وارد دورانی از بلوغ سیاسی شود.

سال‌های دهه ۶۰، سال‌های پرتنش سیاسی در کشور بود؛ سال‌های شکمکش، عصبیت و ناشکیبایی که بیش از یک دهه به درازا انجامید. با ورود به نیمه دوم دهه ۷۰، تاریخ هم دوران تازه‌ای را آغاز کرد. دوم خرداد ۷۶ سرآغاز این دوران بود؛ دوران موسوم به «اصلاحات». در این دوران است که ظرفیتهای مغفول‌مانده شکوفا می‌شوند و کشور در آزمون‌ی سراسری «احترام به مخالف» را تجربه می‌کند. دانشجویان بیش از هر قشری از این آزمون استقبال و تریبون‌های آزاداندیشی را برپا می‌کنند. انجمن اسلامی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران نشریه دانشجویی «زنده‌باد مخالف من» را منتشر می‌کند و در دانشکده‌های دیگر دانشجویان تحول‌خواه هر یک به‌نوبه خود نشریه‌ای برای فراهم‌کردن فضای «گفت‌وگو» منتشر می‌کنند. فضای ایجادشده برای «نقد» دیگرر مجال به «هتک» نمی‌داد. هرچند گروهی از این موضوع ناخرسند بودند و مدام در بوق اختلاف می‌مدیدند تا پروژه مصلحانه «تبدیل‌معدن» به مخالف و مخالف به موافق» اصلاح‌طلبان با شکست روبه‌رو شود. برای این منظور هم هسته‌هایی تدارک دیدند تا با حمله به اجتماعات دانشجویی آرامش را برهم بزنند و محیط‌های دانشجویی را متشنج کنند. همه این اقدامات برای به‌تعطیلی‌کشاندن همان تریبون‌ها و تحریک دانشجویان برای رویارویی خیابانی بود؛ کاری که آن هسته‌ها در آن مهارت داشتند و خوب از عهده‌اش برمی‌آمدند. اما آنچه در خاطره جمعی جامعه ماند، «فضای مفاهمه» به‌دور از تنش‌ی بود که اصلاح‌طلبان پیرامون خود فراهم می‌آوردند. نظیر گفت‌وگوی مکتوب میان «محمدرضا خاتمی» و «حبیب‌الله عسکراولادی» که به ابتکار دبیرکل حزب مشارکت رخ داد؛ اتفاقی کم‌سابقه و البته مؤثر، یکی به نمایندگی از جناح چپ و دیگری به نمایندگی از جناح راست. تمرین در فضای اصلاحات در نهایت دو دهه بعد نتیجه داد؛ زمانی که در انتخابات سال ۹۶ مردم به وعده افزایش پارانها پای صندوق‌های رأی «نه» گفتند و با انتخاب «حسن روحانی» بر پیشبرد روند «نرمال‌سازی» صحه گذاشتند؛ البته نرمال‌سازی برای گذار به دموکراسی با تکیه بر گفت‌مان اصلاح‌طلبی. بسیار طبیعی بود که همان هسته‌های کارآزموده دو دهه پیش بار دیگر به صحنه بیایند تا این‌بار هم فضا را آشفته کنند. توطئه برای به رویارویی‌کشاندن مردم با طراخی دو واقعه – اهانت به رئیس‌جمهور – با واکنش بهنگام خردمندان هر دو جناح خنثی و جامعه از دامی که دام‌گستران کم‌خرد تئیده بودند رهید.

این‌بار هم همچون دفعات قبل بلوغ سیاسی اهل فرهنگ به مدد سیاست‌مردان آمد تا با طرد عناصر غیرفرهنگی، سره از ناسره جدا کنند. واکنش گسترده اهل فرهنگ، بیش از هرچیز عقلای اصولگرا را متوجه وخامت اوضاع کرد؛ تا آن حد که گروه کثیری از اصولگرایان با آن دو واقعه مرزبندی کرده و خود را از مسبان آن دور نگه داشتند!

لاید آنها که تاریخ خوانده‌اند به یاد دارند که این ملت به کمک همین فرهنگ توانسته است در طول تاریخ تهاجم‌های فراوانی را تاب بیاورد. و هرگز هم در برابر فشار سر تسلیم فرود نیاورد. حالا هم در چنین روزهایی عزم بلند یک ملت با تکیه بر همین ماشین عظیم فرهنگی است که می‌تواند از موانع خرد و کلان تاریخی عبور کند و همچنان به مسیر خود ادامه دهد؛ چنان‌که امروز کرد. ماشین غول‌آسای فرهنگ کهن ایرانی، این دو مانع را همچون موانع پیشین در هم شکست و گذشت؛ ماشینی که هرگز سر‌بازایستادن ندارد تا مادامی که اراده این ملت موتور آن را به حرکت درمی‌آورد.